

## اشغال قطور و اقدامات میرزا جعفرخان مشیرالدوله (۱۲۶۵-۱۲۶۸ق)

(بر اساس اسناد منتشر نشده)

نصرالله صالحی

استادیار گروه مطالعات اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان

تاریخ دریافت: (۱۳۹۸/۰۴/۳۱) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۸/۰۸/۲۱)

The Occupation Of Qotur and Mirza Ja'far Khan  
Moshir al-Dawlah's Actions

Nasrollah Salehi

Assistant Professor of Department of Social Studies, Farhangian University

Received: (2019/07/22)

Accepted: (2019/11/12)

## Abstract

The long history of Iran-Ottoman relations witnesses various conflicts and the conclusion of numerous treaties. The second Erzurum agreement was concluded on 1 June 1847 between the two countries. Based on third article of the treaty, a common commission of four countries should be formed and set up delimitation between two countries with field investigation. The Ottoman delegation, headed by Darwish Pasha, on the way to the mission to join the commission, before reaching Baghdad, raided the Iranian realm and occupied Qotur. This aggressively action so near formation of delimitation commission has become an important controversy between Iran and the Ottoman. Firstly Iran condemned Darwish Pasha's action and wanted mediators to take responsibility for the elimination of aggression. Occupation of Qotur lasted exactly thirty years, and eventually the Berlin Congress confirmed Iran's legitimacy, and the Ottoman government was forced to return Qotur to Iran. About the the occupation of Qotur and especially the actions of Mirza Ja'far Khan Moshir al-Dawlah during the three years of delimitation mission, no independent research has been carried out yet. The present study, with the historical method and descriptive-analytical approach, relying on the documents, in particular Iran's Foreign Affairs' documents answers these questions: What was the Qotur's position and strategical significance? Why was this area occupied by the Ottoman Empire on the eve of the formation of delimitation commission? What was the Iran's politicians actions, especially Mirza Ja'far Khan Moshir al-Dawlah, as Iranian delegate to the delimitation Commission against the occupation of Qotur?

The findings of the study show that the three-yearly actions of Moshir al-Dawlah (1268-1265 AH) led mediators to repeatedly condemn the occupation of Qotur and endorse Iran's legitimacy. In fact, Moshir al-Dawlah's actions became the cornerstone for Iranian diplomats in the decades to come and raise the issue of Qotur's occupation in the international community. Measures that eventually resulted in the extradition of Qotur after thirty years.

**Key Words:** Qotur, Ottoman, Iran, Delimitation, Mirza Ja'far Khan Moshir al-Dawlah, Darwish Pasha

## چکیده

روابط دیرپای ایران و عثمانی توأم با جنگ و صلح بود. بنا به ماده سوم عهدنامه دوم ارزنة الروم (۱۶جمادی‌الثانی ۱۲۶۳) باید کمیسیون مشترکی با حضور نمایندگان چهار دولت تشکیل می‌شد. درویش‌پاشا، نماینده عثمانی، پیش از رسیدن به محل تشکیل کمیسیون در بغداد، دره قطور را تصرف کرد. این اقدام تجاوزکارانه، تبدیل به مناقشه‌ای مهم بین دو کشور شد. ایران با محکومیت این اقدام از نمایندگان واسطه خواست تا نسبت به رفع تجاوز عثمانی عمل کنند. اشغال قطور سی سال (۱۲۹۵-۱۲۶۵ق.) به طول انجامید و سرانجام کنگره برلین بر حقیقت ایران صحه گذاشت و دولت عثمانی مجبور به بازپس دادن قطور به ایران شد.

درباره اشغال قطور و اقدامات میرزا جعفرخان مشیرالدوله در طول مأموریت تحدید حدود، هنوز بررسی مستقلی صورت نگرفته است. پژوهش حاضر با روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی، با اتکا به اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: قطور دارای چه موقعیت و اهمیت راهبردی بود؟ چرا این منطقه از سوی عثمانی اشغال شد؟ دولتمردان ایران به‌ویژه میرزا جعفرخان به عنوان نماینده ایران در کمیسیون تحدید حدود در قبال اشغال قطور دست به چه اقداماتی زدند؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اقدامات سه ساله مشیرالدوله (۱۲۶۸-۱۲۶۵ق) موجب شد نمایندگان دولت‌های واسطه بارها اشغال قطور را محکوم کرده و بر حقیقت ایران صحه بگذارند. در واقع، اقدامات مشیرالدوله پایه و اساسی شد برای دولتمردان دستگاه دیپلماسی ایران در دهه‌های بعد که بتوانند موضوع اشغال قطور را در مجامع بین‌المللی طرح و برای بازپس‌گیری آن اقدام کنند. اقداماتی که سرانجام بعد از سی سال با استرداد قطور به ثمر نشست.

**کلیدواژه‌ها:** قطور، تحدید حدود ایران و عثمانی، میرزا جعفرخان مشیرالدوله، درویش‌پاشا.

## ۱. مقدمه

بازپس داده شد.

درخصوص مسئله اشغال قطور و اقدامات سیاسی و دیپلماتیک ایران، به‌ویژه در سال‌های نخست شکل‌گیری مناقشه مزبور هنوز پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. پژوهش حاضر می‌کوشد با اتکا به اسناد، به‌ویژه اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه، اقدامات دولتمردان ایران به‌ویژه میرزا جعفرخان مشیرالدوله درخصوص اشغال قطور را بررسی و به این پرسش‌ها پاسخ دهد: قطور دارای چه موقعیت و اهمیت راهبردی بود؟ چرا این منطقه در آستانه تشکیل کمیسیون تحدید حدود، از سوی عثمانی اشغال شد؟ دولتمردان ایران، به‌ویژه میرزا جعفرخان مشیرالدوله، به عنوان نماینده ایران در کمیسیون تحدید حدود در قبال اشغال قطور دست به چه اقداماتی زدند؟

## ۲. پیشینه پژوهش

درباره موضوع اشغال قطور تاکنون سه مقاله به فارسی و دو مقاله به ترکی منتشر شده است. افسانه منفرد در مقاله «کنگره برلین و مسئله بازپس‌گیری قطور» و مسعود مرادی در مقاله «دفاع از منافع ایران در کنگره برلین ۱۸۷۸»، کانون توجه خود را بر موضوع دفاع ایران در کنگره برلین از حق حاکمیت خود بر قطور و نحوه بازپس‌گیری آن قرار داده‌اند؛ اما هیچ‌کدام، به مقوله اشغال قطور در فاصله زمانی ۱۲۶۵-۱۲۶۸ق و اقدامات ایران به‌ویژه میرزا جعفرخان مشیرالدوله نپرداخته‌اند. کیومرث فیضی و محسن بهرام نژاد در مقاله‌ای مشترک، با نام «جایگاه مرز قطور در روابط و مناسبات ایران و عثمانی»

روابط طولانی ایران و عثمانی در طول چند سده همواره با جنگ و صلح همراه بود. بروز برخی رویدادها در دوره محمدشاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق)، روابط دو دولت را به شدت تیره کرد و در آستانه جنگ قرارداد، اما با وساطت دو دولت روس و انگلیس، زمینه مذاکره میان دو دولت فراهم شد. کنفرانس ارزنة الروم با حضور نمایندگان چهار دولت در ۱۲۵۹ق تشکیل شد و با انعقاد عهدنامه دوم ارزنة الروم در ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳/ ۱ ژوئن ۱۸۴۷ پایان یافت. به موجب ماده سوم معاهده مذکور، مقرر شده بود کمیسیونی مرکب از نمایندگان چهار دولت برای تحدید حدود ایران و عثمانی از محمره/ خرمشهر تا آغری داغ/ آرارث تشکیل شود. نمایندگان چهار دولت می‌بایست در بغداد گردآیند و از آنجا راهی محمره شوند. رؤسای هیئت‌های نمایندگی دو کشور روس و انگلیس، سرهنگ چریکف و سرهنگ ویلیامز بودند. میرزا جعفرخان مشیرالدوله از ایران و درویش‌پاشا از عثمانی این وظیفه را برعهده داشتند. نمایندگان سه دولت برای حضور در کمیسیون، به موقع خود را به بغداد رساندند، اما نماینده عثمانی، درویش‌پاشا، با تأخیر وارد شد. او در مسیر مأموریت، راهی وان شد و با تجاوز به قلمرو ایران منطقه قطور را به اشغال درآورد و علامت‌هایی در چند نقطه به نشانه حدود دو کشور نصب نمود و سپس راهی بغداد شد. این اقدام تجاوزکارانه، سرآغاز مناقشه‌ای سی ساله میان دو دولت ایران و عثمانی شد. سرانجام کنگره برلین بر حقانیت ایران صحنه گذاشت و قطور بعد از سی سال به ایران

و موقعیت خوی و قطور بارها سخن رفته است. از جمله ناظم‌الملک مرنندی در لایحه‌ای که در کمیسیون مختلط استانبول، برای ترسیم و تبیین حدود ایران، مطابق با فصل سوم عهدنامه الرزنة الروم ارائه کرده «ایالت خوی» را مشتمل بر «بلوکات سرحدیه قطور، آخورک، آباقا، قازلی‌گل، ماکو و توابع آن» دانسته است (ناظم‌الملک، ۱۳۹۵: ۱۹۲). مشیرالدوله «بلوکات سرحدیه خوی» را با اندکی تفاوت عبارت از «محالات خمسۀ قطور و آخورک و آباقای و آواجق و ماکو» دانسته است (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۱۸۱). در این عبارت، از «قطور» به عنوان «بلوک» یاد شده است.

در منابع دیگر، محض نمونه در دستورالعمل میرزا حسین‌خان سپهسالار به میرزا مجبعلی‌خان، از قطور زیر نام «بلوک»، «محال»، «ناحیه» و «دره» یاد شده است (ناظم‌الملک، ۱۳۹۵: ۲۷۰-۲۷۵). مشیرالدوله در عبارتی هر دو تعبیر را با هم به کار برده است:

بلوک قطور عبارت از دره‌ای است که به قریب هشت نه فرسخ طول از مغرب رو به مشرق افتاده رودخانه مشهور قطور که مدار شهر خوی و جولگه آن غالباً با رودخانه مزبوره است، از میان آن دره به جولگه خوی جاری و بعد از گذشتن از مارکان و محالات دیگر منصب به رود ارس می‌شود (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۱۸۲).

نویسنده گمنام کتابچه<sup>۲</sup> مربوط به قطور<sup>۲</sup> در اشاره

مروری کلی بر موضوع اشغال قطور در فاصله زمانی ۱۲۶۵ تا ۱۳۱۳ق داشته‌اند. در مقاله اخیر، با اینکه در سال ۱۳۹۷ منتشر شده، به منابع دست اول که در سال‌های اخیر به چاپ رسیده توجهی نشده است. از طرفی، در هر سه مقاله، منابع و پژوهش‌های منتشر شده در ترکیه مورد غفلت قرار گرفته است. از پژوهشگران ترک، صدقی اولوارلر<sup>۱</sup> در دو مقاله‌ای که در ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸م منتشر کرده به موضوع قطور پرداخته است. هر دو نوشته، فاقد روح علمی است؛ زیرا تمام تلاش نویسندگان معطوف به اثبات تعلق قطور به عثمانی است. سیاستی که دولت عثمانی و نماینده آن، درویش‌پاشا، به دنبال تحقق آن بودند، اما سی سال تلاش سیاسی و دیپلماتیک ایران به اثبات حقانیت ایران در کنگره برلین منجر شد.

### ۳. موقعیت جغرافیایی قطور

بخش قطور یکی از بخش‌های تابعه شهرستان خوی در استان آذربایجان غربی در شمال غرب ایران است. این بخش در ۷۰ کیلومتری خوی و در ۸۸ کیلومتری شهر وان ترکیه واقع است. بخش قطور، از دیرباز در مسیر تجاری غرب به شرق بوده تا جایی که یکی از شاخه‌های راه ابریشم از این منطقه می‌گذشت. چنین موقعیت تجاری موجب شد تا ایران و ترکیه در سال ۱۳۹۰ بازارچه و پایانه مرزی رازی را به طور رسمی افتتاح کنند و این امر زمینه گسترش رفت و آمد اتباع دو کشور و نیز مبادلات تجاری را هرچه بیشتر فراهم کرد.

در اسناد و منابع تاریخی دوره قاجار، از جایگاه

۲. عنوان کتابچه چنین است: «ترجمه کتابچه ترکی‌العبارہ راجع به محال قطور و حدود کردستانست که در سال ۱۲۹۶ق به حاجی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله که وزیر امور خارجه و سپهسالار دولت ابدمدت علیۀ قاهره بود تقدیم نموده شده است.» متن این کتابچه در ناظم‌الملک (۱۳۹۵) منتشر شده است.

۱. Sitki Uluerler

شده است. مشیرالدوله درّه قطور را دارای سی و پنج دهکده نوشته و اسامی آنها را آورده است (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۱۸۸). درویش‌پاشا تعداد دهات قطور را هیجده مورد ذکر کرده است (درویش‌پاشا، ۱۳۹۷: ۱۲۷).

#### ۴. اهمیت راهبردی قطور

موقعیت جغرافیایی خوی و قطور به‌ویژه از حیث نزدیکی به مرزهای غربی و همجواری با عثمانی از اهمیت ویژه و خاصی برخوردار بود. پس از دوره شاه طهماسب این منطقه بارها از سوی عثمانی در معرض تجاوز و تصرف قرار گرفت. بعد از سقوط صفویه نیز تجاوز عثمانی در دوره‌های مختلف ادامه یافت. عباس میرزا با توجه به موقعیت نظامی و سوق‌الجیشی خوی، در ۱۲۲۷ ق قلعه‌ای به «شیوه فرنگ» در کنار قلعه قدیم بنا کرد و خاکریز و خندق بر گرد آن تعبیه نمود (طاووسی مسرور و ساسان پور، ۱۳۹۰: ۱۶/۵۰۸). از دید عثمانی‌ها تسلط بر قطور و خوی می‌توانست راه را برای نفوذ و پیشروی در مناطق غربی ایران هموار کند. به تعبیر ریاحی «ناحیه زیبا و زرخیز و خوش آب و هوای قطور، از قدیم‌ترین زمان‌ها دروازه ایران به سوی باختر و مرز طبیعی میان ارمنستان و ایران شناخته می‌شد» این دروازه بارها معبر ورود دشمنان خارجی به داخل ایران شد. چنان‌که «در ۲۷۰۰ سال پیش آشوری‌ها از همین راه به خوی حمله کردند» (ریاحی، ۱۳۷۸: ۳۵۰). بنابراین، درّه قطور هم از نظر طبیعی دارای موقعیت ویژه و ممتاز بود و هم از نظر نظامی دارای موقعیتی حساس و تعیین‌کننده بود. میرزا حسن‌خان مهندس که در ایام اشغال قطور به طور مخفیانه از

به آن، از دو تعبیر «محال» و «درّه» استفاده کرده است (ناظم‌الملک، ۱۳۹۵: ۴۰۴). در فصل پنجم دستورالعملی که برای میرزا محبعلی‌خان جهت استرداد قطور نوشته شده از دو تعبیر «محال» و «درّه» استفاده شده است (ناظم‌الملک، ۱۳۹۵: ۲۷۴). اعتمادالسلطنه تنها تعبیر «محال» به کار برده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۱/۲۳۹۵).

موقعیت جغرافیایی قطور و داده‌های تاریخی مربوط به آن، به دو «قطور» اشاره دارند: یکی «درّه قطور»، و دیگری «قصبه قطور» که یکی از دهات سی و پنج‌گانه درّه یا محال قطور است. به نوشته مشیرالدوله که در ایام تحقیقات حدود، منطقه را از نزدیک دیده و توصیف کرده است، «قصبه قطور قریب یک فرسخ پایین‌تر از مبدأ، در جایی وسیع و مسطح و چمنی [است] که آب طرف گردنه قاشقول و آب درّه طرف ساطمانیس و شرف‌خانه با هم قاتی می‌شوند» (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۱۸۴). اما موقعیت «درّه» یا «محال» قطور مطابق با نوشته و نقشه «کتابچه ترکی العبارة ...» به این شرح است:

درّه قطور از منتهای طرف مغربی دشت خوی و از دامنه تپه معروف به نشان طاشی ... شروع می‌نماید. چون این درّه از جریان رودخانه قطور به حصول آمده مثل سایر رودخانه‌ها، رودخانه مذکور هم به مرور سنگ‌های کوه را بریده مجرای تنگی برای خود ساخته و در هر دو طرف مجرا پرتگاه‌ها که از ارتفاع آنها از پانزده الی پنجاه متر به نظر می‌آید و بالای هر یکی از برای مدافعین یک قلعه طبیعی است، قرار داده به کمال سرعت و شدت جاری می‌شود (ناظم‌الملک، ۱۳۹۵: ۴۰۴).

تعداد و اسامی دهات قطور در منابع مختلف ذکر

ایران فاحش و غیرقابل اغماض است.» علاوه بر آن، این دره تا «دو فرسخ و نیمی شهر خوی ممتد شده و قابل و محتمل است که از عشایر سرحدنشین» که به قتل و غارت و سرقت و شرارت عادت کرده‌اند در «یک شب دو دفعه پیاده به خیال سرقت یا غارت از دره مزبور به شهر خوی رفته معاودت نمایند و کذلک از دره مزبور به شهر تبریز که مرکز حکومت آذربایجان است اشقیای سواره می‌توانند در یک شب رفته و مراجعت کنند» (ناظم‌الملک، ۱۳۹۵: ۲۰۱). قطور بنا به موقعیت جغرافیایی و اهمیت راهبردی که داشت، به عنوان یک نقطه کانونی مهم و حساس مورد توجه دولت عثمانی بود. به همین دلیل نقشه اشغال آن در استانبول طراحی و اجرای آن برعهده درویش‌پاشا گذاشته شد.

#### ۵. اشغال قطور

بنا به توافق صورت گرفته میان چهار دولت، نمایندگان هر یک از دولت‌ها برای شرکت در کمیسیون مشترک تحدید حدود می‌بایست خود را به محمره برسانند. نمایندگان روس و انگلیس به موقع از استانبول راهی بغداد شدند تا راهی محمره شوند. مشیرالدوله در ربیع‌الاول ۱۲۶۵ عازم بغداد گردید و قبل از ورود سایر نمایندگان به آنجا رسید. نماینده عثمانی با تأخیر زیاد وارد بغداد شد. او بنا به دستوری که داشت<sup>۱</sup> در مسیر بغداد، راه خود را به طرف مرزهای دو کشور، در حد فاصل وان و خوی، کج کرده ناحیه قطور را که دارای اهمیت سوق-

این منطقه بازدید کرده، در بخشی از گزارش خود می‌نویسد: «با اینکه تمامت اراضی آنجا کوهستان و ارض مسطح آن بسیار اندک است، بخشاً فاریاباً در کوهستان مذکور خوب زراعت می‌شود و تمامی آن جبال و تلال و سواحل رودخانه و انهار آنجا بیلاق و به مثابه یک قطعه زمرد سبز و خرم است (گزیده اسناد سیاسی ...، ۱۳۶۹: ۵۷۰/۱). وی در نامه دیگری به تفصیل به اهمیت راهبردی قطور، به‌ویژه از حیث انتقال قوا و ادوات نظامی از وان به آذربایجان، پرداخته است. از دید وی علت ساخت استحکامات و بناهای مختلف از سوی عمال عثمانی در منطقه اشغالی قطور نه برای بهره‌برداری از «مداخل ملک قطور» بلکه برای این است که «اگر وقتی نزاع میانه این دو دولت اتفاق بیفتد و عبور آنها از این دره به جهت بُعد مسافت و سختی راه ممکن نشود به این جهت اینجا را متصرف شده این همه مخارج می‌کنند که راه آمد و شد آنها در وقت ضرورت باز و جلوگیری نداشته باشد. قطعاً مقصودشان این و خیالشان همین است.» در ادامه، بازپس‌گیری قطور را ضامن امنیت آذربایجان دانسته می‌نویسد:

بر امنای دولت علیه لازم است که مهما ممکن تا از قوه‌شان به فعل آید آنها را ازین دره بیرون کنند، زیرا که این دره به جهت ملک آذربایجان دروازه بسیار محکمی است (گزیده اسناد سیاسی ...، ۱۳۶۹: ۵۷۲/۱).

میرزا محبعلی‌خان نیز در بند هشتم لایحه‌ای که به کمیسیون مختلط استانبول ارائه کرده، درباره اهمیت نظامی و امنیتی دره قطور به نکات مهمی اشاره کرده و بر ضرورت استرداد آن به ایران پافشاری کرده است. از دید وی چون دره قطور «یک نقطه استراتژیک» است، «سوء تأثیرات آن در حق

۱. درباره دستور باب‌عالی به درویش‌پاشا درباره قطور، نک: آیگون، همان، زیرنویس ۲۴۶-۲۴۷.

نیز در روی کوه پیرزاده واقع در بین قریه استیران و قریه یزدکان که در نواحی هودر است «علامات فرعیّه نصب و به واسطهٔ نصب این سه علامت در این سه محل حدود قدیمه ناحیهٔ مذکوره ... از ایرانیان استخلاص» شد (درویش‌پاشا، ۱۳۹۷: ۱۳۱).

درویش‌پاشا بعد از اشغال ناحیهٔ قطور با ارسال نامه به حاکم خوی، محمد رحیم‌خان، نوشت:

در کتب کتابخانهٔ محکمه علیّه عثمانیه نظر کرده شده و ارکان دولت همه تحقیق نموده‌اند که قریه مزبوره مع توابعات آن از ملک و سرحدات وان است. علاوه بر این در سجلات محکمه کتاب وان صراحتاً نوشته‌اند که قطور و محمودی و توابعات آن همه ملک مختص حدود بلدهٔ وان است. نظر به اینکه این مطالب صحیح بود مرا مأمور کردند که در هر سرحد سنور علامتی بنا کنم تا معلوم شود (گزیده اسناد سیاسی...: ۱۳۶۹: ۲/۲۱۴).

درویش‌پاشا به جز این نامه، در چند بند از رسالهٔ تحدید حدود خود نیز مدّعی تعلق قطور به عثمانی شد (درویش‌پاشا، ۱۳۹۷: ۱۲۸-۱۳۰).

اشغال قطور درست پیش از شروع مذاکرات چهارجانبه برای حل و فصل اختلافات دو دولت در مناطق مرزی، زنگ خطری جدی برای ایران و حتی نمایندگان دولت‌های واسطه بود؛ زیرا نشان می‌داد طرف عثمانی، برخلاف دولت ایران که صادقانه برای مذاکره قدم پیش گذاشته بود، بیش از آنکه به دنبال گفتگو برای حل اختلافات باشد، به دنبال اعمال زور برای گرفتن امتیاز است. به اعتقاد گامازوف، منشی چریکف، اشغال قطور در استانبول با اهداف مشخصی طراحی شد و درویش‌پاشا مأمور اجرای آن بود (اسکوفیلد، ۱۳۸۹: ۲۸۵)؛ بنابراین، اقدام درویش‌پاشا

الجیشی بود اشغال کرد.<sup>۱</sup> بنا به روایت مشیرالدوله «دولت فرصت‌جو و ابن‌الوقت عثمانیه به خیال اینکه ایام فترت و اول سلطنت<sup>۲</sup> و طغیان سالار نارستگار در سمت خراسان مایهٔ مشغولیت دولت است [...] به درویش‌پاشا، وکیل خودشان، دستورالعمل دادند که از راه وان رفته بلوک قطور را که از جملهٔ توابع خوی و موافق رموز و نکات لشکرکشی، و دربندی است که شایستهٔ کمال اعتنا و مفتاح سایر جاها است، بدون سند و دلیل و نصّ صریح قرارنامه بلکه به خلاف عهدنامهٔ سلطان مرادی نیز ضبط و از تصرف مأموران این دولت منتزع نماید» (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۴۷-۴۸).

درویش‌پاشا، به دستگیری رشیدپاشا، مشیر عسکر سرحدیهٔ شرقیه و قشون او درهٔ قطور را با ۳۵ قریه و نیز بلوک آخورک را با تمامی دهات و متعلقات در غرب خوی اشغال کرد و با نصب علامت‌های اصلی و فرعی اقدام به تعیین سرحد دو دولت نمود (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۱۸۸)، از جمله یک قطعه ستون سنگ مرمر نصب و بر روی آن این جمله را حک نمود: «سرحد دولت علیّه عثمانیه در ناحیهٔ قطور، سنه ۱۲۶۵». همچنین بر روی کوه عریضی که در سمت غربی شهر خوی که الاطاع نامیده می‌شود و

۱. برخی از پژوهشگران معاصر ترکیه به تأسی از دولت عثمانی و نمایندهٔ آن، درویش‌پاشا، همچنان قائل بر تعلق قطور به قلمرو عثمانی هستند، برای آگاهی از یکی از پژوهش‌های جدید، نک:

Sitki Uluerler, Osmanlı-iran Sınır Tespiti Tartışmalarında, Kotur'un Yeri (1849-1852), Turkish Studies, Vol. 10/5 Spring, 2015, p. 329-356.

ابراهیم آیگون نیز در پایان‌نامهٔ خود از اقدام درویش‌پاشا با تعبیر «تعیین حدود قطور» یاد کرده است. نک، همان، ۲۴۶-۲۴۷.

۲. منظور سلطنت ناصرالدین شاه است. محمدشاه در ۶ شوال ۱۲۶۴ درگذشت و ناصرالدین شاه ۲۱ ذیقعدّه همان سال در تهران بر تخت نشست.

ساله طایفه تکوری ایران و چُتُقُلُو را که هر کدام یک بلوک معظم است، ضبط کرده مالیات می‌گیرند و با کمال آرام به نظم و نسق آنجاها مشغولند» (اسناد وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۳۵۷).

باب‌عالی برای اطمینان از تحقق اهداف ترسیمی از سوی درویش‌پاشا، هم‌زمان با حرکت او از استانبول، با ارسال فرمانی به والیان ایالت‌های بغداد، موصل، ارزنة‌الروم و کردستان خواهان نهایت همکاری با او شده بود (Ateş, 2013: ix, Gencer, 2016: 145). گنجر می‌نویسد: باب‌عالی برای اینکه بتواند عشایر مرزی را تا پایان مأموریت درویش‌پاشا به ماندن در خاک عثمانی ترغیب کند، از نوامبر ۱۸۴۹/ محرم ۱۲۶۶ برای هریک از خوانین عشایر مرزی حقوق و مقرری موقت تعیین کرد (Gencer, 2016: x).

باب‌عالی علاوه بر حمایت همه‌جانبه از نماینده خود، دست او را نیز در مذاکرات کاملاً بازگذاشته بود، چنان‌که با موضع زیاده‌خواهانه و با طرح ادعاهای غیرمعقول و واهی و خیالات دلخواهانه و بدون دلیل، مذاکرات را دچار وقفه و یا حتی شکست کند (ناظم‌الملک، ۱۳۹۵: ۳۷۹؛ اسکوفیلد، ۱۳۸۹: ۲۷۹). او آشکارا به دنبال تحقق اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی دولت عثمانی بود؛ از جمله طرح ادعای مالکیت عثمانی بر بیشتر مناطق مورد اختلاف و حتی برخی مناطقی که اصولاً مورد مناقشه نبود (Ateş, 2013: 145).

## ۶. اشغال قطور و تعویق تشکیل کمیسیون تحدید

### حدود

در حالی‌که دولت ایران نماینده خود را برای شرکت در کمیسیون تحدید حدود راهی بغداد کرده

عملی خودسرانه نبود، بلکه در راستای اجرای سیاست تجاوزکارانه دولت متبوع خود بود. این سیاست در بیش از سه دهه مذاکرات چهارجانبه از سوی دولت عثمانی و نماینده آن، یعنی درویش‌پاشا ادامه یافت. اشغال قطور به تعبیر اسکوفیلد، تنها یکی از اقدامات متعدد یک‌جانبه او محسوب می‌شد (Schfield, 1989: 2/ xii).

اصولاً اشغال قطور برگه از سیاست تجاوزکارانه عثمانی بود که خیلی زود، آن هم پیش از شروع نخستین دور مذاکرات کمیسیون تحدید حدود رو شد. هم‌زمانی تجاوز و اشغال با ادامه مذاکرات، رویه ثابت دولت عثمانی طی شش دهه بود. صبری آتش می‌نویسد: این سیاست تا زمان اشغال شمال غرب ایران در سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۲ ادامه داشت (Ateş, 2013: 149). اشغال قطور اشتیاق درویش‌پاشا برای بازمهندسی اجتماعی - جغرافیایی مناطق مرزی را اشباع نکرد و بنابراین، درصدد بود تا نواحی گردنشین سنی‌مذهب ایران را نیز غصب کند؛ لذا، از راه‌های مختلف برای اغوای اهالی سنی‌نشین ایران به منظور پیوستن به عثمانی می‌کوشید. این سیاست تنها با شروع جنگ جهانی اول پایان یافت (Ibid).

درویش‌پاشا پیش از آغاز کمیسیون تحدید حدود، اقدام به اشغال قطور و آخورک کرد و در طول دوره سه ساله تحدید حدود، نقاط دیگری نیز به اشغال عثمانی درآمد. مشیرالدوله در ۱۱ ذیقعد ۱۲۶۸ که مصادف با روزهای پایانی مأموریت کمیسیون بود، طی نامه‌ای خطاب به صدراعظم نوشت: جاهایی که مباشرین عثمانی در این سه ساله ضبط کرده‌اند تنها منحصر به دره قطور نیست، «محال سطمانیس و شرفخانه و آخورک، ملک هزار



خطاب به وزرای مختار روسیه و انگلیس خواستار رفع تجاوز عثمانی به قطور و برداشتن سرباز و قراول از آنجا و نیز خراب کردن ستون احدائی درویش‌پاشا شد تا زمینه تشکیل کمیسیون فراهم گردد (فهرست اسناد مکمل، ۱۳۸۳: ۳۲۸).

اعتراضات مکرر دولت ایران به دولت‌های واسطه در عمل راه به جایی نبرد و تنها به تعویق زمان کمیسیون تحدید حدود منجر شد. نمایندگان چهار دولت حدود هشت ماه در بغداد ماندند و در نهایت بعد از تعهد دولت‌های واسطه، دولت ایران راضی به حضور مشیرالدوله در کمیسیون شد (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۱۶). میرزا محبعلی‌خان که سمت نیابت ریاست کمیسیون را برعهده داشت درباره علت تصمیم دولت ایران می‌نویسد:

چون اول دولت بود و مأمورین دول واسطه پس از چندین سال زحمت تازه به سرحد جمع شده بودند که دواعی مناقشات دولتین را به کلی رفع و تحدید نمایند، دول واسطه دولت علیّه را از مدافعه و طرد غصب به عبارت اخری از تبدیل صلح به جنگ ممانعت نموده به وعده صریح استرداد قطور اطمینان داده ساکت کردند (ناظم‌الملک، ۱۳۹۵: ۸۳).

مشیرالدوله سه سال بعد از اشغال قطور در نامه‌ای خطاب به درویش‌پاشا (۲۷ ربیع‌الاول ۱۲۶۸) درباره دلیل تصمیم آن روز ایران می‌نویسد:

اولیای دولت علیّه ایران به ملاحظه اینکه در اول کار ایستادگی شایسته را موجب مفاسد کلیّه ناشایست ننمایند و شوق خودشان را برای تمام شدن امر سرحد به عالمی معلوم سازند، رفع شدن این احدائات را اسباب معطلی امر اهمّ تحدید حدود قرار نداده به نوشته جنابان سفرای متوسطین

بود، به صورت غافلگیرانه با تجاوز عثمانی و اشغال بخشی از مناطق مرزی مواجه شد. دولت ایران در برابر این تجاوز آشکار راه‌های مختلفی می‌توانست در پیش‌گیرد: توسل به زور که می‌توانست به جنگ منجر شود؛ تعلیق کار کمیسیون مشترک و فراخواندن نماینده خود که به تیرگی روابط و بی‌نتیجه ماندن کار کمیسیون منجر می‌شد؛ توسل به اقدامات سیاسی و دیپلماتیک برای اثبات تجاوز و اشغال قطور از سوی عثمانی به گونه‌ای که دولت‌های واسطه به صراحت آن را تأیید و برای رفع آن مساعدت کنند. از میان گزینه‌های مختلف، گزینه اخیر انتخاب شد. امیرکبیر باب مکاتبه انتقادی و اعتراضی را گشود. در نامه ۳ شعبان ۱۲۶۵ خطاب به دوالغارکی، وزیر مختار روسیه، نوشت:

در کدام دولت این قاعده جاری است که دولت همجوار در عین صلح و آشتی بیاید و ملک دیگر را با سرباز و آلات حرب بخواهد متصرف شود ... امنای دو دولت واسطه در این باب چه می‌گویند و چه مصلحت می‌بینند؟ بدیهی است که هرگز راضی با نظر رفتار امنای دولت عثمانی نخواهند شد (فرهاد معتمد، ۱۳۲۶: ۴۹/۲).

امیر در ادامه، اشغال قطور را مانع شروع کار کمیسیون دانست و تصریح کرد:

میرزا جعفرخان به خدمتی که مأمور بود چگونه می‌تواند اقدام نماید تا دولت عثمانی قراول و سرباز را از قطور بر ندارد و علامتی که درویش‌پاشا ساخته است خراب نکند و ترضیه نخواهد (همان).

امیر همچنین در نامه ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۲۶۵ خطاب به دوالغارکی خواستار تخلیه قطور شد (همان: ۵۱). وزیر امور خارجه نیز در نامه ۲ شعبان ۱۲۶۵



قاعده و انصاف و حقانیت حق کامل داشتند که اقدام به امر سرحد نمایند تا آن احداثات خلاف نص صریح عهدنامه بالکلیه رفع شود، باز بدون حرف به نوشته آن جنابان و اطمینانی که داده بودند که رفع این محذورات بعد از ورود مأمورین به قطور به عمل خواهد آمد، اکتفا کرده به تحدید حدود با کمال اکراه، محض اصرار آن جنابان اقدام نموده پروتست کردند (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۲۴۳).

اسناد مختلف موجود حاکی است اولیای دولت ایران با مسئله اشغال قطور از سوی عثمانی با جدیت برخورد کرده و از همان آغاز از راه مسالمت‌آمیز به روش‌های سیاسی و دیپلماتیک تلاش کردند تا حقانیت ایران را اثبات و از نمایندگان دولت‌های واسطه بر غصبیت قطور از سوی عثمانی مهر تأیید بگیرند و بعد از تعهد آنها برای استرداد قطور در کمیسیون تحدید حدود شرکت کردند.

#### ۷. میرزا جعفرخان مشیرالدوله و اشغال قطور

بعد از تعهد نمایندگان واسطه به دولت ایران برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اشغال قطور، مشیرالدوله از سوی امیر دستور یافت در کمیسیون تحدید حدود شرکت کند. نخستین جلسه کمیسیون در ۱۴ ربیع‌الاول ۱۲۶۶ در محرمه تشکیل شد و در ۲۹ ذیقعه ۱۲۶۸ در آغری داغ به کار خود پایان داد. اعضای کمیسیون دو سال و هشت ماه و پانزده روز به تحقیقات سرحدیه پرداختند. مشیرالدوله به عنوان نماینده ایران در کمیسیون نقش بسیار فعال و برجسته‌ای در دفاع از حاکمیت و تمامیت ارضی ایران داشت. از دوران مأموریت وی به‌جز اثر

که رفع این محذورات بعد از ورود مأمورین به قطور به عمل خواهد آمد، بعد از پورتست رسمی اکتفا کردند (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۱۱۴).

مشیرالدوله در نامه غره محرم ۱۲۶۸ خطاب به میرزا ابراهیم‌خان، مصلحت‌گذار بغداد، سخن از حُسن نیت ایران به میان آورد:

امنای دولت علیّه ایران محض به ملاحظه صفا و مودت و یگانگی دو دولت درین خصوص‌ها آنقدر که لازم بود سفت نگرفتند و به صرف‌نظر گذرانیدند که البته بعد از ورود همه مأمورین به محل‌های مزبور احقاق حق خواهد شد (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۶۶-۶۷).

وی در نامه دیگری به مأمورین واسطه باز به حُسن نیت ایران اشاره کرده می‌نویسد: امنای دولت ایران «خواستند که میل خودشان را به اتحاد و صفای دولتین اسلام به کلّ دنیا ثابت کنند» (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۲).

میرزا آقاخان نوری، در مقام صدارت، در نامه ۱۰ جمادی‌الاول ۱۲۶۸ خطاب به وزرای مختار دولت‌های واسطه، شیل و دالغورکی<sup>۱</sup>، علت شرکت نماینده ایران در کمیسیون تحدید حدود را از روی «اکراه محض» و بنا به «اصرار آن جنابان» دانسته می‌نویسد:

اولیای این دولت علیّه محض اصرار آن جنابان که وزرای مختار واسطه هستند و ملاحظه اینکه باعث تأخیر انجام امر حدود و سبب انتظار امر مأمورین دولتین واسطه نشود یا اینکه به مقتضای هر دلیل و

۱. Dalgorki

هیچ وجه به خلاف اسطاطسکو<sup>۱</sup> و نصّ قرارنامه ارزنةالروم امری ناشی نشده و نخواهد شد، بلکه از آن طرف در اوّل مأموریت آن جناب تنها بدون رفاقتی سایر مأمورین به بلوک قطور که ملک طلق و متصرفیه دولت ایران بود با قشون داخل گشته و بلوک مزبوره را به خلاف حق و اسطاطسکو غضب و از ید تصرف مباشرین دولت علیّه ایران منتزع نمود و آنچه خواست در آنجا احداث کرد (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۱۳-۱۱۴).

موضع مشیرالدوله کاملاً درست و سنجیده بود. او از نخستین روز شروع کار کمیسیون تحدید حدود بر ضرورت مذاکرات بر محور عهدنامه ارزنةالروم پافشاری داشت و مفاد عهدنامه منعقد را تنها معیار و اساس گفتگو برای حل اختلافات دو طرف می‌دانست، در حالی که درویش‌پاشا به روش‌های مختلف از این امر طفره می‌رفت. وی با پیش کشیدن ایضاحات اربعه که از دید دولت ایران غیرقانونی بود، تلاش می‌کرد مفاد عهدنامه را نادیده بگیرد. در این زمینه با مقاومت و استدلال منطقی مشیرالدوله مواجه شد، ولی طرفی نبست (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۲۸-۲۹)، لذا تلاش کرد شروع کار کمیسیون در محمره را مبنای اسطاطسکو قرار دهد و اشغال قطور را پایان یافته تلقی کند. مشیرالدوله در نامه ۱۱ ذیحجه ۱۲۶۷ به امیر او را در جریان ترفند نماینده عثمانی قرارداد: درویش‌پاشا «دایم اسطاطسکو را به روز ورود کمترینان به محمره متعلق و منظور می‌نماید و ایراد وارد می‌آورد و حال آنکه مکرر نوشته شده

معروف «رساله تحقیقات سرحدیه»<sup>۱</sup> که بعد از پایان مأموریت به رشته تحریر درآمده است، بیش از سیصد نامه خطاب به دولتمردان ایران و نمایندگان دولت‌های واسطه باقی مانده که جزو اسناد وزارت امور خارجه موجود است. آثار مکتوب باقی مانده از مشیرالدوله گویای آن است که وی از آغاز تا پایان مأموریت تحدید حدود به طور جدی پیگیر مسئله اشغال قطور بود. رشته اقدامات او گسترده است که تنها به اهمّ آنها اشاره می‌کنیم تا کارنامه عملکرد او به عنوان نماینده تام‌الاختیار ایران در مأموریت بسیار مهم تحدید حدود روشن شود.

مشیرالدوله در مذاکرات و مکاتبات خود بر غیرقانونی بودن اقدام درویش‌پاشا تأکید و آن را مغایر با قوانین بین دول می‌داند و بر حقانیت ایران پافشاری می‌کند. وی در نامه ۳ و ۴ صفر ۱۲۶۸ به میرزا محمدعلی خان، وزیر امور خارجه، می‌نویسد: درویش‌پاشا محال قطور را که ملک طلق و در تصرف مباشرین دولت علیّه بود به خلاف جمیع قرارداد دول ضبط کرد و هنوز هر طوری می‌خواهند در آنجا دخل و تصرف می‌نمایند و گماشته می‌گذارند (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۷۹).

مشیرالدوله در نامه‌های متعدد بر التزام ایران به قرارداد ارزنةالروم تأکید، و طرف مقابل را به نقض آن متهم می‌کند. در نامه ۲۸ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ به درویش‌پاشا می‌نویسد:

از طرف کارگزاران دولت علیّه ایرانیّه تا امروز به

۱. برای آگاهی از نقد چاپ این رساله، نک: منابع و مآخذ پایان مقاله.

۲. Statu quo به معنای حفظ وضع موجود یا مالکیت موجود است.

ناصرالدین شاه، به مشیرالدوله و به وزارت امور خارجه ارسال کرد (گزیده اسناد سیاسی ...، ۱۳۶۹: ۱/ ۵۶۰، ۵۶۲-۵۶۳، ۵۶۵-۵۶۷، ۵۶۹-۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۴-۵۷۶).

گزارش مبسوط دیگری از شخصی به نام میرزا علی‌بیگ در دست است که از سوی حاکم خوی راهی ناحیه قطور شده «اوضاع سرحدیه را به چشم خود دیده و تفصیل اوضاع و احوالات عثمانلو را که در قطور و دو فرسخی خوی توقف دارند» را «از روی حقیقت بالقطع و الیقین» در ۱۵ محرم ۱۲۶۸ به آگاهی حاکم خوی رسانده است (اسناد وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۲۳۹). این گزارش‌ها برای دولت مرکزی و نماینده آن در کمیسیون مفید بود. نشان می‌داد دولت ایران مسئله قطور را تمام شده تلقی نکرده و همچنان در پی یافتن راهی مسالمت‌آمیز برای بیرون راندن عثمانی‌ها از این منطقه است.

#### ۸. اقدامات دیپلماتیک دولتمردان ایران

از آغاز اشغال قطور دو صدراعظم ایران، امیرکبیر و میرزا آقاخان؛ وزیر امور خارجه، میرزا سعیدخان؛ و نیز میرزا جعفرخان، برای جلب نظر دولت‌های واسطه به منظور محکومیت اقدام درویش‌پاشا دست به اقدامات دیپلماتیک منظم و پیوسته زدند. نامه‌های متعددی در برهه‌های مختلف زمانی خطاب به وزاری خارجه، وزرای مختار و نمایندگان واسطه ارسال شد. در تمام این نامه‌ها طرف ایرانی براساس اصول و موازین بین دول به اقدام غیرقانونی درویش‌پاشا اعتراض کردند و خواهان محکومیت آن از سوی دولت‌های واسطه شدند. این اقدامات دیپلماتیک موضوع اشغال قطور را به عنوان یک مسئله کلیدی در کانون توجه نمایندگان دولت‌های

است که موافق رسوم دول و عادت عقل باید حکم لفظ مزبور از حین انعقاد هر عهدنامه منظور شود، چه امکان دارد که صاحب یک سرحد بعد از امضای مصالحه از حد خود تجاوز کرده ملک صاحب سرحد دیگر را غصباً تصرف نماید؛ چنان‌که خود سرکار درویش‌پاشا در محال قطور و محمودی معمول داشته و حکام سلیمانیه در ملک کردستان بعد از امضا شدن قرارنامه چنین کرده‌اند. حالا باید به حکم اسطاطسکوی امروز آن املاک در تصرف آنها باقی بماند. بطلان این حکم به هر ذی-شعور مبین است» (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۶۱-۶۲).

مشیرالدوله در نامه ۱۳ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ به نمایندگان واسطه درخصوص رعایت اسطاطسکو این‌گونه استدلال کرد:

به فرض محال اگر بلوک قطور و غیره بایست به دولت عثمانیه برسد، باز لازم و واجب بود که همه آن مکان‌ها به ملاحظه اسطاطسکو به هیئت و حالت سابقه خود تا حل شدن مسئله سرحد به تصدیق اولیای دول اربعه متحابه در تصرف مباشرین دولت علیه ایران بماند (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۹۵-۹۶).

یکی دیگر از اقدامات مشیرالدوله در طول دوره تحقیقات سرحدیه زیر نظر داشتن منطقه اشغالی قطور بود. میرزا حسن‌خان مهندس که زیر نظر مشیرالدوله و اغلب دور از او در مناطق سرحدی آذربایجان مأموریت ترسیم نقشه را برعهده داشت، در سال ۱۲۶۷ با «تبدیل لباس» همراه با مشهدی علی‌اکبر تاجر به صورت مخفیانه مدتی در قطور سیر و سیاحت کرد تا وضعیت مناطق اشغالی را از نزدیک دیده و گزارش کند. او حاصل دیده‌ها و برداشت‌های خود را طی چند نامه خطاب به

دو سال بعد از شروع کار کمیسیون، انگلیسی‌ها با اتخاذ مواضع ضد و نقیض ماهیت رفتار خود در قبال اشغال قطور را رو کردند. از پاسخی که امیر به نامه وزیرمختار انگلیس در ۱۲ ربیع‌الاول ۱۲۶۷ داده است، می‌توان به مواضع دو پهلوی انگلیسی‌ها پی برد. امیر نوشت:

اظهار داشته بودید که اولیای دولت بهیئة انگلیس هیچ وقت رسماً اعتراف به حقیقت ایران در باب قطور نکرده‌اند و هر منظوری که اظهار شده فقط شخصاً از خود آن جناب بوده است (آل داود، ۱۳۹۵: ۳۲۲).

امیر در پاسخ مفصل خود نکات مهمی را یادآور شد: اولاً «ظهور حقیقت و تصرف دولت علیۀ ایران درباب قطور زیاده از آن است که جای تشکیک باشد»، ثانیاً «اولیای دولت ایران که به این اعتراف منصفانه اولیای دولتمتوسطین در حقیقت خودشان مستمسک شدند، توجه به حُسن انصاف هر دو دولت قوی شوکت سنیه بود»، ثالثاً «چشمداشت اولیای دولت علیۀ ایران از انصاف و حقانیت اولیای دولتمتوسطین این است که در امور مشکله امعان نظر و احقاق حق کرده همراهی نمایند تا از خاک این دولت علیۀ به غیر عدالت و انصاف به طور تعدی چیزی به تصرف غیر نیاید». گذشته از اینها «بر عالمیان روشن است که قطور داخل خاک و ملک متصرفی بلانزاع دولت ایران است، و دخلی به تحدید حدود به هیچ‌وجه ندارد» (همان). امیر در ادامه، نگرانی خود را از ادامه اشغال قطور و مشمول مرور زمان شدن این موضوع ابراز کرده می‌نویسد:

بعد از آنکه مأمور دولت عثمانی در همه جا داخل خاک این دولت قراول و مستحفظ گذاشت و

واسطه قرارداد. اتخاذ چنین سیاست معقول و منطقی از سوی ایران، توسط یکی از پژوهشگران ترک به غلط تفسیر شده است. سارقیچی اوغلو مدعی است:

چون دولت ایران خود رسماً قادر به حل و فصل مسئله قطور نبود، تلاش می‌کرد تا با توسل به دولت‌های واسطه آنها را به طور پیوسته درگیر این مسئله کرده از قدرت و نفوذ آنها استفاده کند (Sarıçioğlu, 2013: 127).

سارقیچی اوغلو به این نکته توجه نکرده که اشغال قطور درست در آستانه تشکیل کمیسیون مشترک تحدید حدود صورت گرفت. یعنی زمانی که نمایندگان واسطه مأموریت داشتند تا برای حل و فصل اختلافات دو دولت وساطت کنند. بنابراین نمایندگان واسطه بنا به مأموریت رسمی که داشتند می‌بایست در اختلافات دو طرف اعلان موضع می‌کردند. از این رو، از آغاز اشغال قطور بنا را بر محکومیت اقدام درویش‌پاشا گذاشتند. البته موضع-گیری آنها بیشتر لفظی و در حد ارسال چند نامه در محکومیت اقدام نماینده عثمانی بود. چنین موضع‌گیری اگرچه از حیث سیاسی خوب بود، اما از نظر عملی راه به جایی نمی‌برد، زیرا هیچ تضمینی برای پایان اشغالگری عثمانی به‌جز قول و حرف در میان نبود. از طرفی، انگلیسی‌ها نسبت به روس‌ها مواضع شفاف و ثابتی نداشتند. اصولاً انگلیسی‌ها در مناقشات ایران و عثمانی، اغلب به عثمانی تمایل داشتند. هرگاه اقتضا می‌کرد به صراحت زیر قول و وعده خود می‌زدند. با اینکه در آغاز اشغال قطور و درست زمانی که این موضوع، مسئله تشکیل کمیسیون تحدید حدود را به حال تعلیق درآورده بود، طرف انگلیسی اقدام عثمانی را محکوم کرد. اما

مأمورین آنجا وارد شوند، آن وقت میرزا تقی‌خان می‌توانست بگوید بسیار خوبست، اما باید یک نفر وکیل از طرف شما با یک نفر از طرف من به آنجا برود تجاوزات حالیه را با دقت بنویسند و التزام بگیرند که دیگر به هیچ‌وجه تا رسیدن مأمورین، امر تازه در آنجا حادث نکنند و مأمور تازه نیاورند. نمی‌دانم چرا نکرد؟ با وصف اینکه بالیوزهای دولتین متوسطین رفتند، ولکن این تکلیف را نکردند (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۹۸).

از دید مشیرالدوله، مکاتبات امیر با نمایندگان واسطه‌وافی به مقصود نبود. زیرا «تنها گزارش را به وزرای مختار نوشتن چه فایده دارد؟» (همان). مشیرالدوله در ادامه، «بلدیّت» میرزا محمدعلی‌خان نسبت به «قواعد فرنگستان» را شاهد گرفته می‌گوید: در همچو مقام‌ها در نوشته باید این‌گونه افعال را پوراتست نمود و به وزرای مختار تکلیف کرد که وکیل با وکیل شما روانه نمایند بروند و آنچه ببینند صورت بردارند. گزارش را بدون کم و زیاد به اسلامبول قلمی نمایند. از باب‌عالی حکماً رفع اکثر آنها را طلب کنند و اقلاباً باز نوشته قرار دهند که چیز تازه احداث نکنند (همان).

انتقاد مشیرالدوله به امیر دقیق و منطقی است، منتها این انتقاد به خود او نیز برمی‌گردد، زیرا او به عنوان نماینده دولت ایران عضو کمیسیون تحدید حدود بود و مسائل مربوط به حدود را از نزدیک دنبال می‌کرد و پیوسته نیز به مرکز گزارش می‌داد. او تنها سمت نمایندگی ایران در کمیسیون را نداشت، درحقیقت به مثابه مشاور و مطلع می‌توانست راهکار و پیشنهاد ارائه کند. ظاهراً خود او نیز همانند امیر به وعده‌های نمایندگان واسطه برای حل و فصل مسئله

عسکر نشانید و تصرف کرد، آیا چگونه به امید آن می‌توان نشست که بعد از تصرف و مرور زمان انتزاع حق و استرداد ملک به عمل خواهد آمد؟ (همان).

امیر در پایان نامه، بار دیگر موضوع اشغال قطور و مسئله تحدید حدود را دو امر کاملاً جدا از هم دانسته و عدم حصول نتیجه مطلوب در مسئله تحدید حدود را ناشی از ادامه اشغال قطور و مداخلات دولت عثمانی در «ملک طلق و صریح این دولت و غصب» آن می‌داند (همان).

#### ۹. مشیرالدوله و نقد عملکرد امیرکبیر

مأموریت مشیرالدوله برای شرکت در کمیسیون تحدید حدود با نظر امیر بود. هر دو شناخت خوبی از هم داشتند. مشیرالدوله در نامه‌های مختلف خطاب به امیر و نیز به دولتمردان دیگر بارها از تعلق خاطر خود نسبت به امیر سخن به میان آورده است. با این همه، در برخی نامه‌ها، به‌ویژه در نامه‌هایی که بعد از درگذشت امیر نوشته است، با لحنی انتقادی عملکرد امیر را زیر سؤال برده است. از جمله در یکی از نامه‌های مهم که در ۱۳ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ خطاب به وزیر امور خارجه، میرزا محمدعلی‌خان، نوشته از امیر با تعبیر «غیرمرحوم» یاد کرده و او را در مسئله قطور متهم به «اهمال» کرده است. او در بخشی از نامه مذکور اقدامات امیر در نوع برخورد با مسئله اشغال قطور را نادرست دانسته می‌نویسد:

اعتقاد مخلص اینست که رسیدن کار قطور و ماکو به این مقام از عدم انتقال و یا اهمال میرزاتقی‌خان شد، به علت آنکه در سال اول که این خبر رسید و وزرای مختار گفتند که قرار این کار بماند تا

اشغال قطور دلبسته بود و در انتظار آن بود تا در پایان تحقیقات حدود، دولت عثمانی به توصیه نمایندگان واسطه منطقه قطور را به دولت ایران بازپس دهد. اکنون که مأموریت کمیسیون مشترک رو به پایان بود، نه تنها خبری از تخلیه قطور نبود، بلکه بخش‌های دیگری از مناطق مرزی نیز از سوی عوامل عثمانی به تدریج به اشغال درآمده و کار بر ایران سخت‌تر شده بود. با این همه، اگرچه اقدامات سیاسی و دیپلماتیک امیر و مشیرالدوله در عمل زمینه استرداد قطور را فراهم نکرد، اما این مسئله را به یک چالش اساسی در روابط ایران و عثمانی تبدیل کرد و نمایندگان دولت‌های واسطه را متوجه این نکته کرد که بدون رفع چالش مزبور، امیدی به حل و فصل نهایی اختلافات دو دولت ایران و عثمانی نباید داشت.

#### ۱۰. مواضع دولت‌های واسطه

دولت‌های واسطه از همان آغاز تصرف قطور از سوی دولت عثمانی در موضع‌گیری‌های خود بر حقانیت ایران در موضوع اشغال قطور صحنه گذاشتند و بر غصبی بودن آن پای فشردند. واکنش نماینده انگلیس به تأخیر درویش‌پاشا در ورود به بغداد در نوع خود جالب و نشان دهنده محکومیت او در اشغال قطور است. ویلیامز می‌پرسد: اگرچه شما چند روز بعد از ما از استانبول حرکت کردید، اما چرا اینقدر دیر رسیدید؟ علت تأخیر شما چه بود؟

طاهر افندی<sup>۱</sup> می‌گوید:

ما از طریق ارضروم و وان آمدیم. به قدری در راه‌ها برف باریده بود که در روز دو ساعت بیشتر حرکت نکرده چند روزی هم در ارضروم و وان اقامت کردیم. از این رو، دیرتر از شما رسیدیم.

ویلیامز در جواب می‌گوید:

نه، این طور نیست، ما خبر داریم که شما از وان راهی قطور شده و به دلخواه خود تحدید حدود کرده‌اید. اما بدانید که با این اقدام کار را خراب کرده‌اید (Aykun, 1995: 248).

امیر بعد از مکاتباتی که از آغاز اشغال قطور با نمایندگان دولت‌های واسطه داشته درباره موضع آنها در شعبان ۱۲۶۵ به مشیرالدوله می‌نویسد:

الحق خود آنها اعتراف به خلاف کردن درویش‌پاشا دارند و صورت این ماجرا را ... هم به دولت خود، هم به دربار دولت علیه عثمانی نوشته‌اند و هم آدمی از سفارتخانه خود برای منع این حرکات خلاف نزد درویش‌پاشا فرستاده ... اعتقاد سفرا این است که درویش‌پاشا خلاف دستورالعمل خود مرتکب این عمل شده است، و عنقریب رجال آن دولت علیه ... حُسن‌نیت خود را ظاهر خواهند ساخت (آدمیت، ۲۵۳۵: ۵۸۲).

موضع سفرای واسطه در محکومیت عمل درویش‌پاشا، موضع درست و سنجیده‌ای بود، اما مبراً دانستن دولت عثمانی از اقدام درویش‌پاشا یا از سر نادانی بود و یا جنبه فریبکارانه داشت. گامازوف به درستی معتقد بود که اشغال قطور در استانبول با

۱. در هیئت عثمانی، طاهر افندی به عنوان سرمهندس و قائم مقام در خدمت درویش‌پاشا بود.

و بسیار خوب رفتار نموده است، شما نیز حتی المقدور مواظب باشید که غفلت نشود» (همان: ۲۱۷).

اقدامات طرف ایرانی از آغاز اشغال قطور برای محکومیت آن از طرف دولت‌های واسطه بی‌نتیجه نبود. دولت ایران به اقدامات دیپلماتیک و راه‌های مسالمت‌آمیز توسل جست و توانست نظر مثبت دولت‌های واسطه را جلب و حقانیت خود را اثبات کند. سیاست فشار بر نمایندگان واسطه برای دفاع از حقانیت ایران ادامه یافت. کمیسیون تحدید حدود در ادامه تحقیقات سرحدیه در اوایل ۱۲۶۸ق وارد قطور شد. عوامل عثمانی حاضر در قطور، با شلیک توپ و تفنگ به استقبال اعضای کمیسیون رفتند. این امر بر مشیرالدوله بسیار گران آمد. او با طعنه و کنایه خطاب به نمایندگان واسطه تقریباً اظهار نمود:

امروز مأموران دولت عثمانی احترام مأموران واسطه را به حدی بجا آوردند که از اوّل ورود سرحدّ تا حال هرچه قصوری از آنها صادر شده بود همه را تلافی شد، چرا که به صدای بلند توپ صاعقه خرام و آواز طبل و شیپور صفوف نظام به گوش شما و دول متحابه می‌رسانند که ما هرچه خلاف معاهده و خلاف قرار دول و مأموران واسطه را درین حدود به عمل آورده‌ایم هیچ‌گونه ملاحظه و خجالتی نداریم، شما زحمت کشیده صفا آورده‌اید و آنچه لازم بود درین خصوص بسط داده‌ایم.

نمایندگان واسطه در پاسخ، هر دو «انصاف کرده صراحتاً تعهد نمودند که فتوای خودشان را درین باب در آخر سرحد، یعنی پس از اتمام تحقیقات لازمه نوشته» به مشیرالدوله دهند (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۱۹۱).

اهداف مشخص طراحی شد و درویش‌پاشا مأمور اجرای آن گردید (اسکوفیلد، ۱۳۸۹: ۲۸۵).

نامه دیگر از وزرای مختار دولت‌های واسطه به تاریخ ۲۲ ذیحجه ۱۲۶۷ خطاب به امیر در دست است که در آن با موضع ایران هم‌نوایی داشته می‌نویسند:

مراسله آن جناب ... درباب ساختن قلعه قطور به دوستداران رسید. دوستدارن مضایقه نخواهند کرد که این شکایات امنای دولت ایران را به خاطر ایلیچیان مقیم اسلامبول بیاورند و تقویتی که مستحق باشند به عمل خواهند آورد (اسناد وزارت خارجه ایران، کتاچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۲۳۵).

نسلرود، وزیر خارجه روسیه نیز خطاب به وزری مختار آن دولت در تهران، دالغاورکی، نوشت:

اینکه دولت علیه ایران حرکت درویش‌پاشا [را] ردّ و پُرُتست نمودند، البته سزا بوده است و دولت ایران استحقاق این معنی را داشته است. زیرا که به ملاحظه مضامین مندرجه در فصل سیم از فصول معاهده منعقد در ارزنة الروم، دولت آل عثمان حق نداشته است که مرتکب چنین حرکتی شود، کوشش و سعی موسیو تی‌تف در ثبوت حقیقت دولت ایران و مخالف مأمور آل عثمان بسیار بجا بوده است و ما هم پسندیدیم (گزیده اسناد سیاسی ...، ۱۳۶۹: ۲/۲۱۶).

نسلرود در ادامه به درستی از پایبندی ایران به عهدنامه منعقد سخن می‌گوید و به این نکته توجه می‌دهد که دولت ایران «سعی نمایند که امری باعث نشود و کاری اتفاق نیفتد که دولت آل عثمان آن را بهانه خود قرار دهند و بگویند خلاف معاهده ارزنة الروم از دولت ایران واقع شده است. دولت ایران تا حال که حرکتی به خلاف عهدنامه و به خلاف قاعده نکرده است



دولت عثمانیه پس از انعقاد قرارنامه و همچنین در ایام غصب قطور از ملک ماکو غصب کرده‌اند به دولت ایران» واگذار گردد (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۲۰۷-۲۰۸).

نامه مشیرالدوله و پاسخ نمایندگان واسطه نشان می‌دهد که مسئله اشغال قطور تا آخرین روزهای مأموریت کمیسیون تحدید حدود در کانون توجه مشیرالدوله بود. او تمام تلاش خود را برای اثبات حقانیت ایران و محکومیت اقدام درویش‌پاشا به کار بست. اسناد به‌جا مانده از فعالیت‌ها و اقدامات مشیرالدوله در طول دوره تقریباً سه ساله تحدید حدود، حاکی از تلاش خستگی‌ناپذیر او برای تثبیت تمامیت ارضی ایران بود. اقدامات او پایه و اساسی شد برای دولتمردان دستگاه دیپلماسی ایران در دهه‌های بعد که بتوانند موضوع اشغال قطور را در مجامع بین‌المللی طرح و برای بازپس‌گیری آن اقدام کنند. رشته اقداماتی که در طول سه دهه (۱۲۶۵-۱۲۹۵) برای آزادی قطور از اشغال عثمانی انجام پذیرفت، سرانجام با تصمیم کنگره برلین به ثمر نشست.<sup>۱</sup>

### ۱۱. نتیجه

در طول تاریخ روابط طولانی ایران و عثمانی، جنگ‌های متعددی به وقوع پیوست، و معاهدات مختلفی نیز منعقد شد. عهدنامه دوم ارزنة‌الروم (۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ / ۱ ژوئن ۱۸۴۷) به مثابه نقطه عطف در روابط دو کشور به حساب می‌آید. به

کمیسیون تحدید حدود بعد از دو سال هشت ماه به آخرین نقطه مرزی، قریه بازرگان ماکو، رسید. مشیرالدوله درست دو روز پیش از متفرق شدن هیأت‌های نمایندگی و پایان دوران مأموریت اعضای کمیسیون بار دیگر در نامه‌ای رسمی (۲۴ ذیقعد ۱۲۶۸) خطاب به نمایندگان واسطه، شرح مفصلی «درباب غصب قطور و توابع و سایر بی‌حسابی‌های مأموران عثمانی» نوشت و «جوابی از آنها که به مغصوب شدن قطور شهادت صریح» می‌داد دریافت داشت (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۲۰۰). مشیرالدوله در نامه خود بعد از مروری بر چگونگی غصب قطور و اقدام صرفاً اعتراضی ایران که بارها مورد تأیید نمایندگان واسطه قرار گرفته بود، این بار به صراحت درخواست کرد تا وضعیت مناطق اشغالی به حالت قبل بازگردد. وی خطاب به نمایندگان واسطه نوشت:

حالا که به آخر سرحد رسیده‌ایم به ابرام و اصرار مالاکلام حقاً و رسماً از آن جناب توقع می‌نماید که اولاً قراری دهند که بلوکات مغصوبه یک آن اقدام به حالت اولی راجع شود. فراری و عشایر مخصوص این دولت را تصاحب نکرده رد کنند (همان: ۲۰۴).

نمایندگان واسطه در ۲۵ ذیقعد ۱۲۶۸ در پاسخ نامه مشیرالدوله نامه مبسوطی نوشته به صراحت بر «غصبیت قطور» صحه گذاشتند. آنها در این نامه، بنا به تحقیقات انجام شده، مناطق سرحدی دو دولت را بازگو و در چند جا بر ضرورت بازگرداندن مناطق غصبی تأکید کردند: «تمامی دهات قطور» که از سوی عثمانی «غصب» شده به ایران واگذار گردد. همچنین «تمامی دهاتی را که به قول بلدهای ماکوئی

۱. در این زمینه نگاه کنید به دو مقاله مسعود مرادی و افسانه منفرد.

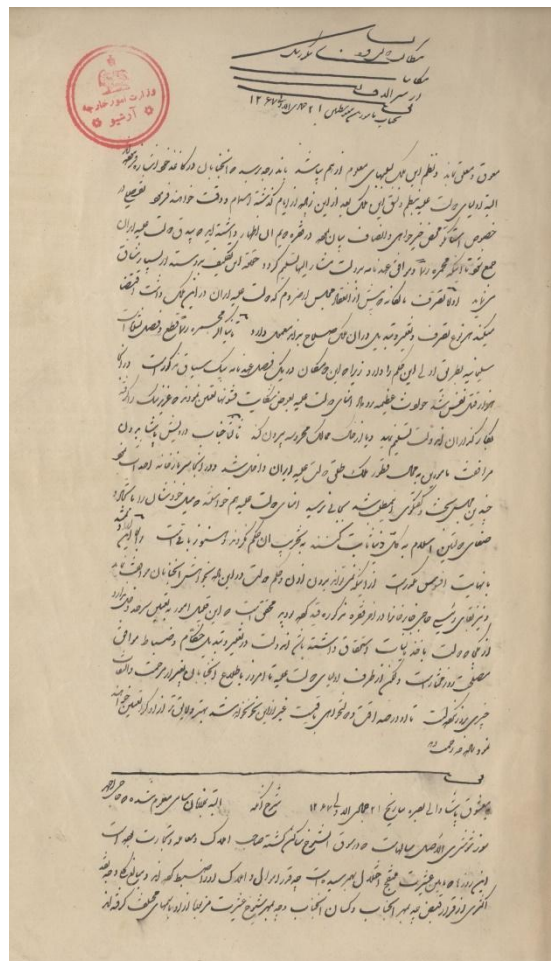
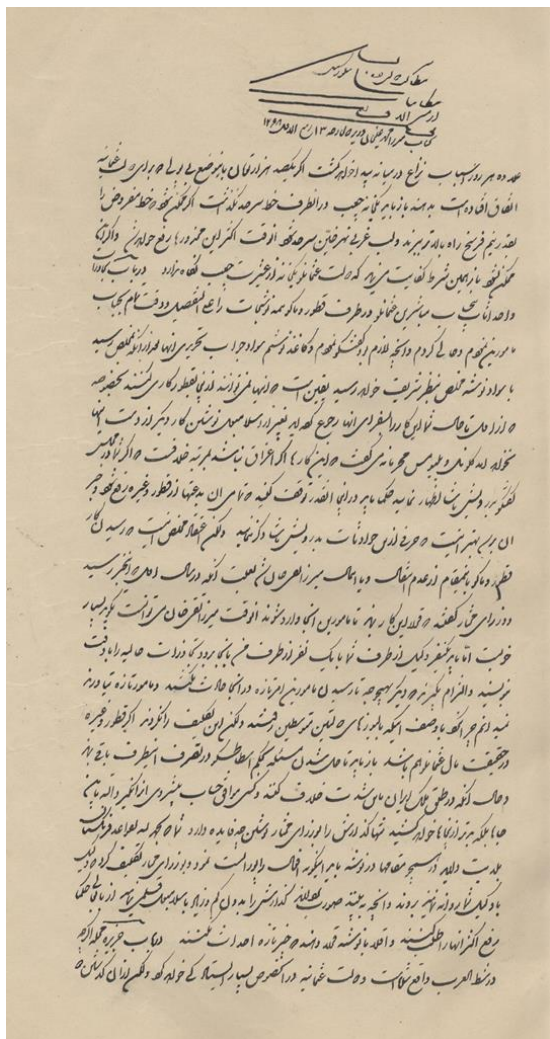
اقدامات مشیرالدوله در طول دوره تقریباً سه ساله تحدید حدود، حاکی از تلاش خستگی‌ناپذیر او برای تثبیت تمامیت ارضی ایران بود. اقدامات او پایه و اساسی شد برای دولتمردان دستگاه دیپلماسی ایران در دهه‌های بعد که بتوانند موضوع اشغال قطور را در مجامع بین‌المللی طرح و برای بازپس‌گیری آن اقدام کنند. رشته اقداماتی که در طول سه دهه (۱۲۶۵-۱۲۹۵ق) برای آزادی قطور از اشغال عثمانی انجام پذیرفت، سرانجام با تصمیم کنگره برلین به ثمر نشست.

#### منابع

- آدمیت، فریدون (۲۵۳۵). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
- آرشیو وزارت امور خارجه. *کتابچه سواد مکاتبات*. ش ۱۸.
- آل داود، سیدعلی (۱۳۹۵). *امیرکبیر و ناصرالدین شاه*. تهران: کتاب رایزن.
- اسکوفیلد، ریچارد (۱۳۸۹). «تدقیق مرزها: تلاش‌های نیمه قرن نوزدهم برای نقشه‌برداری و علامت‌گذاری مرزهای ایران و عثمانی». *جنگ و صلح در ایران دوره قاجار و پیامدهای آن در گذشته و اکنون*. زیر نظر رکسانه فرمانفرمایان. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۴). *مرآت‌البلدان*. به کوشش پرتو نوری علاء و محمدعلی سپانلو. تهران: اسفار.
- افضل‌الملک. *کراسه‌المعی*. نسخه خطی. ش ۹۴۵۲. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- درویش‌پاشا (۱۳۹۷). *لایحه تحدید حدود ایران و عثمانی (۱۲۶۸-۱۲۶۷هجری قمری)*. ترجمه از ترکی عثمانی: میرزا جهانگیرخان ناظم‌الملک مرندی یکانلو. تصحیح و پژوهش نصرالله صالحی. تهران: طهوری.

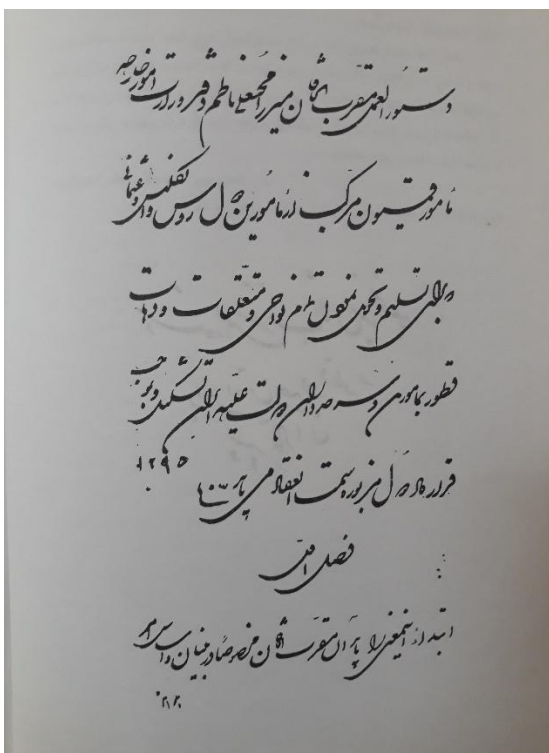
موجب ماده سوم این عهدنامه، می‌بایست کمیسیون مشترکی از نمایندگان چهار دولت تشکیل گردد و با تحقیقات میدانی حدود دو کشور را تعیین نماید. هیئت عثمانی به ریاست درویش‌پاشا در راه مأموریت برای پیوست به کمیسیون تحدید حدود، پیش از رسیدن به بغداد، به قلمرو ایران تجاوز کرد و قطور را به اشغال درآورد. این منطقه از حیث موقعیت جغرافیایی و نیز از نظر راهبردی دارای اهمیت زیادی بود. اشغال قطور آشکارا مغایر با مفاد عهدنامه دوم ارزنة‌الروم بود، به همین دلیل دولت ایران اقدام تجاوزکارانه دولت عثمانی را به شدت محکوم کرد و حاضر به حضور نماینده خود در کمیسیون نشد، به همین دلیل تشکیل کمیسیون نزدیک به هشت ماه به تعویق افتاد و در نهایت با تعهد نمایندگان واسطه مبنی بر حل و فصل اشغال قطور، کمیسیون تشکیل و بعد از دو سال و هشت ماه به کار خود پایان داد. هم‌زمان با ادامه کار کمیسیون، دولتمردان ایران از راه‌های سیاسی و دیپلماتیک مسئله اشغال قطور را دنبال کردند. در این میان، میرزا جعفرخان مشیرالدوله به عنوان نماینده ایران در کمیسیون، در کنار فعالیت‌های مرتبط با تحدید حدود به صورت پیوسته پی‌گیر مسئله اشغال قطور بود. از وی نامه‌های مختلفی خطاب به نمایندگان واسطه و دیگران باقی مانده که هر یک از آنها حکایت از تلاش‌ها و اقدامات او برای بازپس‌گیری قطور است. اقدامات سه ساله مشیرالدوله (۱۲۶۵-۱۲۶۸ق) موجب شد نمایندگان دولت‌های واسطه بارها اقدام درویش‌پاشا در اشغال قطور را محکوم کرده و بر حقانیت ایران به صورت رسمی صحنه بگذارند. اسناد به‌جا مانده از فعالیت‌ها و

- ریاحی، محمدامین (۱۳۷۸). *تاریخ خوی (سیر تحولات اجتماعی و فرهنگی شهرهای ایران در طی قرون)*. تهران: توس.
- صالحی، نصرالله (۱۳۹۶). «واکاوی اقدامات درویش‌پاشا در نخستین کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی (۱۲۶۸-۱۲۶۶ق.)». *پژوهش‌های علوم تاریخ*. ش ۹. پاییز و زمستان.
- صالحی، نصرالله (۱۳۹۷). «بررسی انتقادی چاپ "رسالة تحقیقات سرحدیه"». *آئینه میراث*. ش ۱۶. پاییز و زمستان.
- طاووسی، مسرور؛ ساسان‌پور، فرزانه (۱۳۹۰). «خوی» *دانشنامه جهان اسلام*. ج ۱۶. ص ۵۰۸.
- فرهاد معتمد، محمود (۱۳۲۶). *سپهسالار اعظم تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی*. تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
- فهرست اسناد مکمل قاجاریه (۱۳۸۳). *جلدهای ۵۴-۶۴*. تهران: مرکز اسناد وزارت خارجه.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی در دوره قاجار (۱۳۶۹). تهران: انتشارات وزارت امورخارجه.
- مرادی، مسعود (۱۳۸۱). «دفاع از منافع ایران در کنگره برلن ۱۸۷۸»، *نخستین همایش ایران‌شناسی، مقالات تاریخی و جغرافیایی، بنیاد ایران‌شناسی، تهران: ۴۶۶-۴۴۹*.
- مشیرالدوله، میرزا جعفرخان، *رسالة تحقیقات سرحدیه*. نسخه خطی. ش ۲۷۷۵. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- منفرد، افسانه (۱۳۷۱). «کنگره برلین و مسئله بازپس‌گیری قطور». *تحقیقات اسلامی*. ش ۷. بهار. ش ۱. ص ۳۹-۴۶.
- ناظم‌الملک مرندی یکانلو، میرزا محبعلی‌خان (۱۳۹۵). *مجموعه رسائل و لوایح تحدید حدود ایران و عثمانی*. تصحیح و پژوهش نصرالله صالحی. تهران: طهوری.
- ناظم‌الملک مرندی یکانلو، میرزامحبعلی‌خان (۱۳۹۶). *ملاحظات و محاکمات (دو لایحه در تحدید حدود ایران و عثمانی، ۱۲۹۲ قمری)*. تصحیح و پژوهش: نصرالله صالحی، تهران: طهوری.
- Ateş, Sabri (2013). *The Ottoman-Iranian borderlands: making a boundary 1843-1914*. Cambridge University Press.
- Aygun, İbrahim (1995). *Erzurum Konferansı (1843-1847) ve Osmanlı-İran Hudut Antlaşması*. Atatürk Üniversitesi. Sosyal Bilimler Enstitüsü Tarih Anabilim Dalı. Doktora Tezi. Erzurum.
- Hadd-i Hudud-ı İraniyeye Me'mûr: Derviş Paşa'nın Lâyihası, Çevirmiyazı: Fatih Gencer, Ankara, 2016.
- Sarıçioğlu, Melike (2013). *Osmanlı-İran Hudut Sorunları (1847-1913)*. Ankar, Türk Tarih Kurumu.
- Schofield, Richard (ed.). *The Iran-Iraq Border (1840-1958), Efforts of Delimitation Commission and Preparation of Maps of Frontier Zone (1848-1873)*, Archive Editions, 1989, Vol. 2.
- Sıtkı Uluerler (2018), "Berlin Antlaşması'na Göre (1878) Osmanlı'nın İran'a Terk Ettiği Kotur'un Sınırları Meselesi", *Bingöl Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, No. 8, Vol. 16 Autumn, P. 171-145.
- Sıtkı Uluerler (2015). "Osmanlı-İran Sınır Tespiti Tartışmalarında Kotur'un Yeri (1849-1852)". *Turkish Studies*. Vol. 10/5 Spring. P. 329-356.

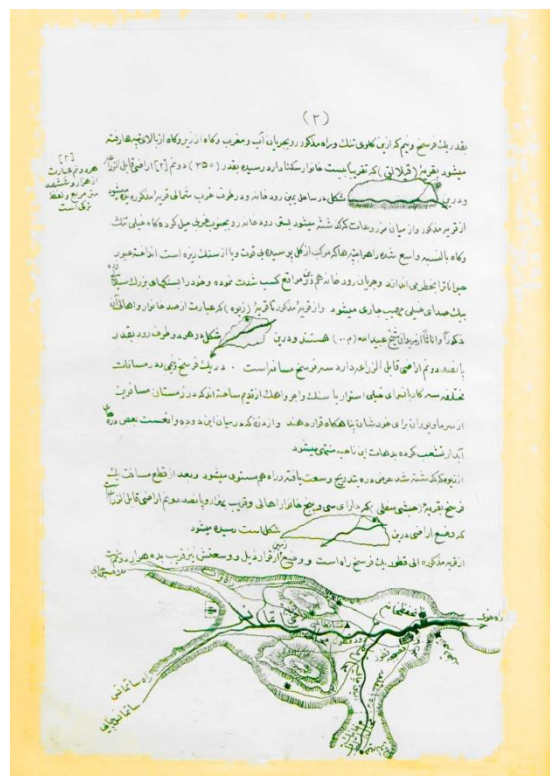


سواد مکاتبات وزارت خارجه شماره ۱۸، ص ۲

سواد مکاتبات وزارت خارجه شماره ۱۸، ص ۹۸



دستورالعمل میرزا مجعلی خان برای بازپس گیری قطور



کراسی المعی کتابخانه مجلس ۹۴۵۲